



حقوق بشر،

چون که صد آمد، نود هم پیش ماست

ملوک الطوائفی خواهد بود. یعنی اگر اساس حاکمیتی در یک نظام، استبدادی بماند، اشکال و انواع آن از سلطنت و جمهوری و فدرال و غیرفدرال تفاوتی ندارد. پس تکیه‌ی ما باید بر مطالبه‌ی حقوق حقه‌ی همه‌ی ایرانیان در پرتو اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق‌های حقوق بشری باشد.

تجربه‌ی ملت ما از مشروطیت به بعد نشان داد که خشونت و اعمال زور، ممکن است در کوتاه‌مدت، مردم را به سکوت وادارد، اما در درازمدت جواب نمی‌دهد. به همین دلیل در شهریور ۱۳۲۰ و بهمن ۱۳۵۷ نه تنها شاه مجبور به ترک تاج و تخت شد، بلکه یک جامعه‌ی به ظاهر خاموش، به فاصله‌ی کوتاهی دچار انفجاری کنترل‌نشده‌ی گردید. ما باید از تجارب خود و دیگر ملت‌ها درس بگیریم. اعمال خشونت (چه از جانب حاکمان یعنی ایجاد اختناق و چه از سوی محکومان یعنی شورش و تظاهرات خونین) راه به احقاق حقوق بشر و حقوق شهروندی نمی‌برد. برای برقراری دموکراسی، باید از وسایل و عوامل مسالمت‌آمیز: گفتن، نوشتن، سخنرانی، گردهمایی، تریبون آزاد، مشارکت سیاسی در کانون‌های مدنی و صنفی و تعاونی و در نهایت انتخابات و همه‌پرسی استفاده کرد. یونان، اسپانیا، پرتغال و کشورهای اروپای شرقی مرحله‌ی گذار از دیکتاتوری به دموکراسی را با پرداخت هزینه‌ی بسیار کم‌تری طی کرده‌اند تا ایران، افغانستان یا عراق.

تجربه‌ی بیست و پنج ساله‌ی ایران از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا بهمن ۱۳۵۷ نشان می‌دهد که هرگاه فرصت مشارکت سیاسی از طرق قانونی و مدنی مثل آزادی مطبوعات، آزادی احزاب و آزادی انتخابات از مردم سلب شود، ناگزیر مبارزات مردمی زیرزمینی و مخفی می‌شود. در سطح داخلی محمدرضا شاه با این مشکل روبه‌رو شد و در سطح بین‌المللی آمریکا و اسرائیل که به قول آن‌ها «تروریسم» و به قول مخالفان شان «عملیات استشهادی» امان ایشان را بریده است، به همین مشکل دچارند. پس چاره‌ی جز قبول اصول حقوق بشر و مردم‌سالاری نیست.

ما نمی‌گوییم که دموکراسی‌های موجود در جهان، ایده‌آل‌اند، اما در مقام نسبیّت باید پذیرفت که چون دموکراسی و آزادی بیان و انتخابات آزاد به اعضای جامعه فرصت می‌دهد که سرنوشت خود را به انتخاب خود رقم بزنند، جامعه‌ی دموکراتیک، پایدارتر و امن‌تر و قابل اطمینان‌تر است. فروپاشی حکومت‌های غیردموکراتیک باید برای همه‌ی جوامع جهان درس عبرتی باشد.

با آرزوی تضمین حقوق بشر و مردم‌سالاری - **حسن امین**

□ آذرماه مناسبت‌های بسیار دارد، از جمله: ۱۶ آذر، روز دانشجو و بازنگری فراز و فرودهای جنبش دانشجویی؛ ۱۹ آذر، سال‌روز صدور اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر؛ ۲۱ آذر، روز نجات آذربایجان از چنگ توطئه‌ی شوروی سابق؛ و البته ۱۰ و ۱۱ آذر سال‌روز شهادت نام‌آورانی هم‌چون سیدحسن مدرس و سردار جنگل.

ما در این شماره، همه‌ی این مباحث را پوشش داده‌ایم؛ از جنبش دانشجویی و روز آذربایجان و نهضت جنگل، شروع کرده و یک‌به‌یک به ده‌ها مطلب ایران‌شناسی، حافظ‌شناسی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی پرداخته‌ایم.

در آغاز، چنین به نظر می‌رسد که شاید سرمقاله را باید فقط به یکی از این چند موضوع اختصاص بدهیم، اما نتیجه می‌گیریم که همه‌ی فضیلت‌ها در «حقوق بشر» قابل جمع است. کسی که به حقوق بشر احترام بگذارد، حقوق هم‌نوعان خود را برای مطامع مادی ضایع نمی‌کند، منافع هم‌وطنان خود را به بیگانگان نمی‌فروشد، از احساسات مردم آذربایجان برای جاه‌طلبی‌های سیاسی خود سوءاستفاده نمی‌کند، دستش را به خون دانشجویان دانشگاه تهران برای خوش‌آمد دولت کودتا آلوده نمی‌کند، خاطره‌ی مبارزان راه آزادی و سرداران و پهلوانان ملی و رجال فرهنگی را گرامی می‌دارد. پس باید در سرمقاله باز هم از حقوق بشر گفت، چرا که: چون که صد آمد، نود هم پیش ماست.

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در ۱۹ آذر ۱۳۲۷ تصویب شد. امسال در آذر ۱۳۸۳ درست پنجاه و شش سال تمام از آن تاریخ می‌گذرد. ما متن کامل انگلیسی و فارسی این اعلامیه را در **حافظ** اردیبهشت ۱۳۸۳ چاپ کردیم و اکنون دیگر بار، لزوم احترام و رعایت حقوق بشر را به خود و دیگران، به دولت‌ها، ملت‌ها، گروه‌ها و جناح‌ها یادآور می‌شویم و بر لزوم تقویت و ترویج حقوق بشر، دموکراسی، نهادهای مدنی، آزادی بیان و مطبوعات و اجتماعات تأکید می‌ورزیم.

ما حقوق بشر، آزادی و مردم‌سالاری را برای فرد فرد مردم ایران - اعم از مرد و زن و پیر و جوان - می‌خواهیم و هیچ نعمتی را بر این مقدم نمی‌داریم. زیرا اگر مردم‌سالاری نباشد، جنبش دانشجویی ممکن است به برتری‌جویی و تفوق یک «صنف» منحرف شود؛ در حالی که در دموکراسی، یک صنف (چه روحانی و کشیش باشد، چه استاد دانشگاه و دانشجو، چه نظامی و چه حقوقدان و چه کارگر و چه کارفرما) بر اصناف دیگر برتری ندارد. در موضوع آذربایجان هم، اگر دموکراسی نباشد، احقاق حقوق حقیقی شهروند محقق نخواهد شد. در مثل، ترکیب فدرالیسم بدون دموکراسی چیزی شبیه